

فرهنگ فارسی جیبی

غلامحسین صدری افشار
نسرین حکمی
نسترن حکمی



فرهنگ معاصر

تهران ۱۳۹۰

فهرست نویسی پیش از انتشار

- سرشناسه: صدری انشار، غلامحسین، ۱۳۱۳ -
عنوان و پدیدآور: فرهنگ فارسی جدید / غلامحسین صدری افشار.
نویسنده: حکمی، نسرین.
موضوعات نشر: تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۹.
موضوعات ظاهری: ۱۱۵۲ ص.
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: واژه نامه.
موضوع: فارسی - واژه نامه ها
شناسه افزوده: حکمی، نسرین، ۱۳۲۸ -
شناسه افزوده: حکمی، نسرین، ۱۳۳۰ -
رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ف ۴ ص ۲ / PIR۲۹۵۴
رده بندی دبیر: ۴ ف ۳
شماره کتابخانه ملی: ۲۱۸۴۰۰۲

فرهنگ معاصر
شماره ۱۵۴، خیابان دانشگاه، تهران ۱۴۱۳۷۶۲۶۶۸
تلفن: ۶۶۱۶۵۵۲ - ۶۶۱۵۲۶۳۲ فکس: ۶۶۲۱۷۰۱۸
E-mail: info@farhangmoaser.com
Website: www.farhangmoaser.com



فرهنگ فارسی جیبی

علامه حسین صدیقی فشار

تسریح حکمی

تسترون حکمی

ناظر چاپ: سیاوش موسایی

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: مهری فرخنده‌پور

چاپ و صحافی: فرهنگ معاصر

چاپ اول: ۱۳۹۰

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه فرهنگ معاصر است و هر نوع استفاده
بازرگانی از این فرهنگ اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری و یا
تکثیر به هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً، ممنوع و قابل تعقیب قانونی است.

یادداشت

از آنجا که فرهنگ، کاربران گوناگونی دارد، لازم است در سطح‌ها و با دامنه‌های گوناگونی، متناسب با نیاز هر گروه، عرضه شود؛ برای پژوهش‌های ادبی و زبان‌شناسی، برای خوانندگان مطبوعات و برای دانشجویان، دانش‌آموزان و حتی برای نوآموزان.

این فرهنگ با هدف قابل حمل و در دسترس بودن و برای ارائه عمومی‌ترین و رایج‌ترین واژگان زبان فارسی تدوین شده و از سلسله فرهنگ‌های فارسی است که نشر فرهنگ معاصر تاکنون منتشر کرده است. مانند:

۱. فرهنگ‌نامه فارسی. واژگان و اعلام (سه جلدی)

۲. فرهنگ فارسی دو جلدی

۳. فرهنگ معاصر فارسی یک جلدی

۴. فرهنگ فارسی اعلام

۵. فرهنگ معاصر فارسی کوچک

در این فرهنگ، پس از دادن تلفظ و شناسنامه دستوری، هر واژه به دقت تعریف یا به واژه رایج‌تر ارجاع شده است.

گاه برای روشن‌تر شدن مفهوم و کاربرد واژه، جمله یا عبارتی به عنوان شاهد ذکر شده است. اگر واژه دارای چند معنی بوده،

آن معنی‌ها با شماره از یکدیگر جدا شده است. همچنین اگر دارای ماهیت دستوری جداگانه بوده (مانند اسم، صفت، قید، ...)، این تفاوت با یک مربع توخالی مشخص شده است. برای بهره‌گیری بهتر، لازم است خواننده راهنمای استفاده از این فرهنگ را مطالعه کند.

www.ketab.ir

راهنمای استفاده از این فرهنگ

ترتیب واژه‌ها

مداخل‌های این فرهنگ براساس حروف الفبای فارسی تنظیم شده است و ترتیب قرارگرفتنشان شکل املائی آنهاست.

تلفظ

شکل آوایی واژه‌ها بعد از مدخل یا حروف لاتینی و در داخل دو مکسر داده شده است.

شناسنامهٔ دستوری

ماهیت دستوری واژه‌ها پس از دو نقطه آمده است.

حوزهٔ معنایی

اگر هر یک از تعریف‌های یک مدخل در زمینهٔ خاصی کاربرد داشته (کنایی، مجازی، گفتاری، حقوقی، ...) حوزهٔ معنایی مورد نظر در داخل قلاب ذکر شده است.

۱. اگر قلاب پیش از عدد جداکنندهٔ تعریف‌ها باشد، مربوط به همهٔ تعریف‌هاست.

۲. اگر قلاب پس از عدد باشد، فقط مربوط به آن تعریف است.

آبکافت : ābkāf : اسم. هیدرولیز

آبکافه : ābkāfe : اسم. هیدرونیست

آبکوره : ābkore : اسم. مجموعهٔ آبهای زمین، شامل اقیانوسها، دریاها و آبهای دیگر؛ هیدروسفر

آبارتمان : āpārtemān : اسم. ۱. ساختمان (معمولاً چندطبقه) یا چند واحد مستقل ۲. هر یک از آن واحدهای مستقل؛ کاشانه [فرهنگستان]

آبارد : ābāre : اسم. گذرگاه مصنوعی روباز برای انتقال آب؛ نهر

جزغاله : jezqāle : صفت. [گفتاری] کاملاً سوخته و آب خود را از دست داده (در مورد گوشت و مانند آن) «تا منو را برسان، گوشت جرییده شده»

آب‌زیسرگاه : ābzir(e)kāh : صفت. [کنایی]

۱. پنهانکار ۲. حيله‌گر و ظاهرالصلاح

جهاز : jehāz : اسم. ۱. دستگاه ۲. [گفتاری]

جهازیه ۳. ساز و برگ ۴. [مدعی] کشتی

آبازور / ābāzur / : اسم. ۱. سرپوش رنگین برای تنظیم نور چراغ. ۲. چراغ پایه‌دار دارای چنین سرپوشی؛ نورتاب [فرهنگستان]

۳. اگر قلاب پس از واژه‌ای بیاید، مربوط به آن واژه است، یعنی نورتاب واژه پیشنهادی فرهنگستان برای آبازور است.

شماره‌های داخل متن

اگر مدخل بیش از یک معنی داشته، معنی‌هایش به ترتیب اهمیت، تعریف و با شماره از یکدیگر جدا شده است. مثلاً واژه بازه دارای ۳ معنی است.

شاهد

برای روشن‌تر شدن معنی یا کاربرد واژه‌ها، یک یا دو مثال در داخل بازه ذکر شده است.

مترادف

پس از تعریف هر واژه، چنانچه مترادفی برای آن وجود داشته پس از نشانه «:» و اگر مربوط به چند تعریف بوده، پس از نشانه «*» آمده است.

متضاد

واژه‌ای که مفهوم متضاد مدخل را می‌رساند، در پایان تعریف، پس از کلمه مقابل، آمده است.

ترکیب‌ها

۱. ترکیب‌های اسمی: صفت و موصوف، مستند و مستندالیه، یا مضاف و مضاف‌الیه ساخته شده از مدخل، به صورت زیر مدخل و پس از نشانه [۲] آمده و تعریف شده است.

بازه / bāze / : اسم. ۱. فاصله دو دست باز. ۲. [ریاضی] مجموعه عددهای میان دو عدد فرضی؛ فاصله ۳. درّه، بویژه درّه وسیع

آبادانی / ābādāni / : اسم. ۱. آبادسازی > آبادانی کشور پرداخت. وزارت آبادانی و مسکن > ۲. وضع یا کیفیت آباد بودن > آب بود و نه آبادانی <

امپراتور / emp(ε)rātur / : اسم. شاه چندین کشور؛ شاهنشاه؛ امپراطور
امپراتوری / emp(ε)rāturi / : اسم. ۱. شغل یا مقام امپراتور. ۲. چندین کشور یا قلمرو که زیر فرمان یک امپراتور است * امپراطوری

راست / rāst / : اسم. ۱. آن سمت که اگر رو به جنوب بایستیم در مغرب و اگر رو به شمال بایستیم در مشرق است. ۲. آن نیمه از بدن که معمولاً قلب در نیمه مقابل آن قرار دارد * مقابل؛ چپ

خرق / xarq / : اسم. [ادبی] ۱. پارگی؛ شکاف؛ چاک. ۲. عمل یا فرایند دریدن یا شکافتن
[۲] خرق عادت: خلاف عادت؛ بیرون از عادت

۲. ترکیب‌های فعلی: مصدرهای ساخته شده از مدخل، به صورت زیرمدخل و پس از نشانه □ آمده و تعریف شده است.

مصدر

حالت‌های صرفی مصدرها در صیغه مخاطب، در میان دو خط موازی، ذکر شده است.

۱. اگر صیغه فعلی در فارسی امروز تغییر کرده، شکل متداول آن ذکر شده است.

۲. اگر صیغه فعلی، در فارسی امروز کاربرد ندارد، ذکر نشده است.

۳. چنانچه مصدر هم لازم و هم متعدی است، تعریف‌های مربوط به هر یک جداگانه و به دنبال هم، پس از نشانه □ آمده است.

ارجاع

اگر واژه‌ای مترادف رایج‌تری داشته، به آن ارجاع شده و پس از نشانه ≡ آمده است.

خروج / xoruj / : اسم. ۱. عمل یا فرایند بیرون شدن از جایی ۲. [فدیی] قیام □ خروج کردن: [محاری] قیام کردن؛ شوریدن

رزمیدن / razmīdan / : مصدر، لازم. [ادبی] || رزمیدی: می‌رزمی؛ پرزم || جنگیدن

آجیدن / ājīdan / : مصدر، متعدی. || آجیدی: آجیده می‌کنی؛ آجیده کن || ۱. فرو بردن چیزهایی (مانند سوزن، نیستر یا شمع) بر سطح چیزی ۲. سطح چیزی را آجدار کردن ۳. چیزی را آجیده دوزی کردن □ آژیدن

آهیختن / āhīxtan / : مصدر، متعدی. [ادبی] | آختن

زاییدن / zāyīdan / : مصدر، متعدی، لازم. || زاییدی: می‌زایی؛ پژا □ متعدی. ۱. فرزند خود را به دنیا آوردن <زنت بسر زایید> □ لازم. ۲. [سجازی] افزایش یافتن؛ تکثیر شدن <انگار پرلهایت وایید>؛ زاییدی

احکام / ahkām / : جمع حکم